



ترفندی کلیدی

برای ترویج کتابخوانی



حبیب یوسفزاده | سام سلماسی

تصویرگر



کتاب‌ها نگاه کنند و حسرت بخورند. به قول شاعر:

**گر باغبان بر روی ما بندد در گلزار را
ما را نگاهی بس بود از رخنه دیوارها!**

با این ابتکار، هم میراث بشری دست‌نخورده و تمیز می‌ماند و هم اشتیاق بچه‌ها به اوج می‌رسد و علاقه آن‌ها به مطالعه شدت می‌گیرد. این ترفند «حسرت‌آفرینی» چیزی نیست که ما از خودمان ساخته باشیم بلکه ریشه در اسطوره‌های کهن دارد. به‌طور مثال، کیکاووس با بستن پای عقاب‌ها و زدن چند تکه گوشت لخت بر سر نیزه، توانسته است توی سبد همایونی به پرواز درآید و در تاریخ هوانوردی گوی سبقت را از «برادران رایست» برآید. پس همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، این ترفندهای کاربردی امتحان خود را پس داده‌اند و می‌توانند الگوهای خوبی برای ما باشند. لطفاً اگر شما هم از این نوع شیوه‌های «کلیدی» اطلاعی دارید، در قالب عکس و کاریکاتور و خاطره به دفتر مجله ارسال کنید تا با اشاعه آن‌ها گام ناچیزی در گشایش قفل‌های بسته کتابخانه‌های بعضی مدارس برداریم.

انسان نخستین برای نگهداری دانش اولیه خود و رساندن آن به نسل‌های بعد، جایی غیر از قفسه سینه نداشت. پس قفسه سینه را باید پدر قفسه‌های کتابخانه‌های امروزی دانست اما شکی نیست که برای انتقال و مدیریت دانش در دنیای امروز، روش سینه‌به‌سینه دیگر جواب نمی‌دهد!

از آنجا که مردم بچه‌های خود را به ما سپرده‌اند تا چیزهای خوب در مخشان شکوفا کنیم، باید با ابزارهای باغبانی اندیشه آشنا باشیم. یکی از این ابزارها کتابخانه است. از نگاه یک مدیر خوب، کتابخانه جای بازیگوشی نیست. پس باید تا حد ممکن، قفسه‌های وسیعی از حل‌المسائل‌ها و بانک سؤالات امتحانی و کنکور برای کتابخانه تدارک ببیند تا خدای ناکرده امانت‌های مردم وقتشان را با خواندن شعر و داستان و این قبیل کتاب‌های حاشیه‌ای هدر ندهند!

در مرحله بعد، باید دقت کرد میراث گران‌بهایی که با خون دل و زحمت به دست آمده، به‌خوبی حفظ شود.

بنابراین، یک مدیر موفق و قفسه‌مدار هرگز کلید کتابخانه مدرسه‌اش را از خودش دور نمی‌کند بلکه با بهره‌گیری از تجربه‌های گذشتگان، بچه‌ها را در شش ماه اول سال تشنه نگه می‌دارد و کاری می‌کند که آن‌ها هر روز از سوراخ کلید به